

**از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید**

**جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای**

**اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور**

**تنگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی**

**گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی**

**جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل**

**و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت**

**حکومت اسلامی در ایران**

- عدم لحاظ افزایش 20 درصدی حقوق کارکنان صنعت نفت مورد اعتراض برای سال 1405 در کارت حقوقی

- از موج انفجار تا کابوس تلخ اخراج و ارجاع به بیمه‌ی بیکاری از سوی دولت سرمایه و کارفرمایان

یک کارگر پتروشیمی رازی: «پرسنل حس می‌کنند از هر دو طرف خورده‌اند. هم حمله و جنگ به زندگی و معیشت‌شان ضربه زده، هم از داخل حمایت چندانی نمی‌شوند و کارفرما می‌خواهد با بیمه‌ی بیکاری عملاً کارگر را کنار بگذارد...»

«الان که حمله شده و خیلی از پتروشیمی‌ها آسیب دیده‌اند، نه تنها اقدام حمایتی چندانی از طرف مسئولین، دولت و کارفرما برای کارگران انجام نشده، بلکه حرفش هم پیش آمده که خیلی‌ها را بفرستند سمت بیمه‌ی بیکاری. یعنی به جای حمایت، صحبت از کنار گذاشتن کارگر است.»

- خسارات زیست محیطی جنگ؛ انتشار 1 میلیون و 53 هزار تن دی‌اکسیدکربن

- صدور حکم برای اعدام 4 بازداشتی اعتراضات سراسری دی ماه 1404

- #از\_بازداشتی\_ها\_بگو

حکم اعدام ساغر غلامی اهل گنبدکاووس، دختر ۱۹ ساله‌ای که سال گذشته بازداشت شده بود، تأیید شد

- تداوم بازداشت سیما انبایی فریمانی، بازیگر تئاتر و شاعر اهل فریمان، در مشهد

- نت بلاکس : چهل و پنجمین روز محرومیت 90 میلیون ایرانی از اینترنت جهانی

- جان باختن یک کارگردار شهرک صنعتی عجب شیر بر اثر حادثه کاری

\*\*\*\*\*

**\*عدم لحاظ افزایش 20 درصدی حقوق کارکنان صنعت نفت مورد اعتراض برای سال 1405 در کارت حقوقی**

با گذشت 24 روز از سال جدید، افزایش 20 درصدی حقوق کارکنان صنعت نفت که مورد اعتراض می باشد هم در کارت حقوقی لحاظ نگردیده و براساس گزارش منتشره احتمال دارد اعمال آن به اردیبهشت‌ماه موکول شده باشد.

**\*از موج انفجار تا کابوس تلخ اخراج و ارجاع به بیمه‌ی بیکاری از سوی دولت سرمایه و کارفرمایان**

یک کارگر پتروشیمی رازی: «پرسنل حس می‌کنند از هر دو طرف خورده‌اند. هم حمله و جنگ به زندگی و معیشت‌شان ضربه زده، هم از داخل حمایت چندانی نمی‌شوند و کارفرما می‌خواهد با بیمه‌ی بیکاری عملاً کارگر را کنار بگذارد....»

«الان که حمله شده و خیلی از پتروشیمی‌ها آسیب دیده‌اند، نه تنها اقدام حمایتی چندانی از طرف مسئولین، دولت و کارفرما برای کارگران انجام نشده، بلکه حرفش هم پیش آمده که خیلی‌ها را بفرستند سمت بیمه‌ی بیکاری. یعنی به‌جای حمایت، صحبت از کنار گذاشتن کارگر است.»

\*\*\*

اکنون که غبار انفجارها فرو نشسته و آذیرهای ممتد خطر جای خود را به سکوت شکننده‌ی آتش‌بس داده، در پتروشیمی‌های ماهشهر و بندر امام، واقعیتی تلخ‌تر از ویرانی آهن و بتن در جریان است. رسانه‌ها تیتزهای جنگی خود را تغییر داده‌اند، تحلیل‌گران از معادلات کلان سیاسی می‌گویند و در این هیاهوی پساجنگ، گویی کسی از کارگران چیزی نمی‌گوید؛ همان بازوان ستبر و دست‌های پینه‌بسته‌ای که اصلی‌ترین چرخه‌های تولید این کشور را در سخت‌ترین شرایط تحریم و تهدید می‌چرخانند. کارگرانی که در خط مقدم تولید، سینه‌به‌سینه‌ی خطر ایستادند و حالا در سکوت سرد آتش‌بس، تنها مانده‌اند.

جامعه‌ای که تا دیروز رنج تولیدگر را نمی‌دید، امروز تنها نگران «قیمت کالا» است، بی‌آن‌که بپرسد آنانی که در میان آهن‌وپاره‌های داغ و موج انفجار ایستادند، اکنون در چه وضعیتی نان خود را جست‌وجو می‌کنند. در ازای این اهمیت حیاتی، چه چتری از حمایت بر سر این کارگران گسترده شده است؟ کارگرانی که در منگنه‌ی فشارها گرفتار شده‌اند؛ از یک سو آماج حملات موشکی امپریالیسم

قرار گرفتند و رفیقان‌شان را غرق در خون دیدند و از سوی دیگر، با بی‌مهری ساختاری، فقدان حمایت‌های پایه‌ای و کابوس تلخ تعدیل و ارجاع به بیمه‌ی بیکاری از سوی دولت سرمایه و کارفرمایان روبرو هستند.

پتروشیمی رازی یکی از مجتمع‌هایی است که به‌دلیل قطع برق منطقه‌ای و آسیب به زیرساخت‌هایش، تولید آن متوقف شده است. پای صحبت‌های یکی از کارگران پیمانکاری این مجتمع نشستیم که به‌دلیل ترس از برخورد کارفرما، تمایلی به فاش شدن نامش در این روایت نداشت. گفته‌های او پرده از فشارهای مضاعفی برمی‌دارد که در سکوت پس از بحران، گلوی کارگران را می‌فشارد.

این کارگر پتروشیمی که روز حادثه بیرون از مجتمع بوده اما لحظه‌به‌لحظه اخبار را از همکارانش پیگیری می‌کرده، ماجرا را این‌گونه شرح می‌دهد: «من آن روز سر کار نبودم، اما همکارانم داخل مجتمع بودند و تقریباً از همه‌شان - هرکدام به‌نوعی - وضعیت را پرسیدم. یکی از همکاران، بر اثر موج انفجار به‌شدت به یکی از لوله‌های تیز برخورد کرد و دستش از ناحیه‌ی آرنج شکست. چند نفر دیگر از همکاران هم موج انفجار گرفتند و هنوز ناخوش‌احوال‌اند؛ یعنی بیشتر حالت موج‌گرفتگی و به‌هم‌ریختگی جسمی و عصبی دارند. حس و حال غالب، ترس بود. من که بیرون بودم، از دور دود و آتش را می‌دیدم و تمام هم و غم این بود که همکارانم چه شدند. همان لحظه‌ها نه تلفن‌ها جواب می‌دادند، نه اگر هم تماس وصل می‌شد، کسی در آن وضعیت روحی و شوک، حواسش بود که جواب بدهد.»

او می‌افزاید: «در مجتمع ما هیچ جای مشخصی برای این‌جور مواقع وجود نداشت؛ نه سنگری، نه پناهگاهی. برای چنین اتفاقاتی اصلاً جایی از قبل دیده نشده بود. برای همین هم در لحظه‌ی حمله، سردرگمی مطلق حاکم بود و همه فقط دنبال جایی برای پنهان شدن می‌گشتند. خیلی‌ها اولین بار بود که از نزدیک چنین وضعیتی را تجربه می‌کردند. واقعاً تجربه‌ی سخت و سنگینی بود.»

#### سودجویی در بحبوحه‌ی بحران

او با اشاره به این‌که شرکت‌هایی مثل شرکت فولاد تا پیش از روز جمعه کاملاً همگام با دستورالعمل‌های منطقه حرکت می‌کردند، توضیح می‌دهد: «تا قبل از حادثه، شرکت فولاد و بعضی مجموعه‌های دیگر هم‌زمان با منطقه‌ی ویژه حرکت می‌کردند؛ هرچه سازمان منطقه در مورد حضور نیرو و تعداد نفرات می‌گفت، همان را اجرا می‌کردند. تا روز قبل از حادثه یعنی جمعه، این هماهنگی بیشتر رعایت می‌شد. همان روز جمعه، هلدینگ خلیج فارس و مجموعه‌ی سازمان منطقه‌ی ویژه‌ی ماهشهر اعلام کردند نیروها فقط با ۳۰ درصد ظرفیت در محل حاضر باشند؛ اما مدیریت رازی رویکرد دیگری در پیش گرفت.»

او در ادامه افزود: «با توجه به اتفاقات منطقه، قیمت محصولات ما یک‌باره چند برابر شد. محصولات شرکت ما عمدتاً اوره است، گوگرد، اسید سولفوریک، اسید فسفریک و آمونیاک؛ هم مصرف داخلی دارد و هم صادراتی. ما حتی اسکله‌ی اختصاصی داریم و کشتی می‌آید برای بارگیری. همین ایام درگیری‌ها هم یک کشتی آمد و گوگرد بار زد. متأسفانه با بالا رفتن ناگهانی قیمت‌ها، تصمیم گرفتند برخلاف دستورالعمل منطقه، واحدهای آمونیاک و اوره را برای فروش روشن نگه دارند؛ و به همین دلیل هم پرسنل را با ظرفیت حدود ۵۰ درصد سر کار کشاندند.»

با این همه، یک اتفاق زمانی مانع از فاجعه‌ای بزرگتر شد: «خوشبختانه حمله دقیقاً حوالی ساعت ده تا ده و نیم صبح رخ داد؛ همان زمانی که به اصطلاح قدیم به آن «تایم چای» می‌گویند و زمان استراحت پرسنل است. در آن تایم، خیلی از بچه‌ها در موقعیت‌های باز یا نقاط حساس بیرون واحد نبودند و اکثراً درگیر همان استراحت یا رفت‌وآمدهای کوتاه بودند. چه‌بسا اگر حمله در زمان دیگری رخ می‌داد، حتماً تلفات جانی سنگینی می‌دادیم. با این حال ما مجروح داشتیم؛ به نظر من چیزی کمتر از چهل، پنجاه نفر آسیب دیدند که اکثراً مداوای سرپایی شدند. غیر از یکی دو نفر که شکستگی دست داشتند یا موج‌گرفتگی‌شان شدید بود، مشکل بقیه بیشتر استرس، فشارهای روانی و شوک بعد از حادثه بود.»

او برای روشن‌تر شدن ماجرا اضافه می‌کند: «عمده‌ی برق رازی از شرکت فجر تأمین می‌شد و وقتی به فجر یک و فجر دو آسیب خورد، عملاً برق منطقه قطع شد. الان که دارم با شما صحبت می‌کنم، پرسنل اداره‌ی برق خود مجتمع هنوز مشغول کارند تا یک ارتباطی برقرار کنند و شرکت حداقل برق لازم را داشته باشد، که پرسنل بتوانند برگردند. منطقه اعلام کرده بود با ۳۰ درصد نیروها برگردند سر کار، اما وقتی برق کل مجتمع نیست، بازگشت به کار عملاً ممکن نشده. برای همین ما هنوز بیرون از مجتمع هستیم و بازگشت رسمی به کار نداشتیم؛ پرسنل مشمول قانون کار رازی فعلاً بیرون از مجتمع و در وضعیت بلاتکلیف هستند.»

او سپس تصویر کلی‌تری از وضعیت منطقه ارائه می‌دهد و تأکید می‌کند برداشت غالب کارگران این است که هدف اصلی حملات، زیرساخت انرژی بوده: «در بقیه‌ی منطقه هم تقریباً همین داستان تکرار شده. در بندر امام، واحد یوتیلیتی را زدند؛ یعنی همان واحدی که برق و بخار تولید می‌کند. در فجر هم فجر یک و فجر دو را زدند. به همین خاطر در نگاه ما و در حرف‌هایی که بین کارگرها می‌چرخد، به‌نوعی این‌طور به نظر می‌رسد که تمرکز حمله‌ها بیشتر روی واحدهای تولید برق و بخار بوده، نه روی واحدهای تولید محصول. نتیجه‌اش هم این شده که الان در کل منطقه‌ی ماهشهر و بندر امام، مشکل اصلی برق است و همین قطعی برق، تولید را خوابانده.»

هراس کارگران از سایه‌ی شوم بیمه‌ی بیکاری

او با تشریح ترکیب نیروی انسانی و وضعیت بلاتکلیفی می‌افزاید: «حدود ۷۰ درصد از نیروهای ما کارگران پیمانکاری هستند و فقط حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد پرسنل رسمی یا قرارداد مستقیم خود شرکت‌اند. پیمانکار فعلی هم پیمانکار خود پتروشیمی رازی است. در حال حاضر حدود هزار و چهارصد تا هزار و پانصد نفر مشمول قانون کار هستند و در مجموع بیش از دو هزار و دویست کارگر بیرون از مجتمع در بلاتکلیفی کامل مانده‌اند.»

مسأله‌ی معیشت خیلی زود خودش را نشان داده است: «الان وضعیت‌مان اصلاً مشخص نیست. حقوق برج دوازده را به صورت علی‌الحساب دادند. قرار بود بعد از تعطیلات، مابقی مطالبات بهمن (برج یازده) را بدهند، اما دقیقاً شنبه بعد از تعطیلات این اتفاق افتاد و همه‌چیز رفت روی هوا. از آن روز به بعد دیگر نه می‌شود با قطعیت گفت دقیقاً چه می‌کنند، نه چیزی شفاف اعلام کرده‌اند. وضعیت‌مان واقعاً نامعلوم است.»

اما کابوس واقعی برای این کارگران، نه فقط موج انفجار و خرابی‌ها، بلکه آینده نامعلوم شغلی آن‌هاست. این کارگر با نگرانی از زمزمه‌هایی که در منطقه پیچیده، می‌گوید: «الان جو منطقه این است که ظاهراً مدیرکل سازمان تأمین اجتماعی را هم آورده‌اند توی منطقه. شرکت‌ها ادعا می‌کنند تولید متوقف شده و با این بهانه می‌خواهند پرسنل قانون کار را به سمت بیمه‌ی بیکاری بفرستند. یک بخشی از این ادعا را نمی‌شود انکار کرد، چون برق نیست؛ اما ترس ما این است که از این وضعیت سوءاستفاده شود.»

او با هشدار نسبت به تبعات چنین تصمیمی تأکید می‌کند: «نمی‌شود یک‌دفعه چهار هزار نفر، پنج هزار نفر را از کار بیکار کرد. هرچند حقوق‌های این‌جا حقوق‌های تاپ و خیلی بالا نیست، اما همین که ماه‌به‌ماه و سر موعد حقوق می‌گیریم، خودش کمکی است برای گذران زندگی. ما ده روز اخیر هم تق و لُق سر کار می‌رفتیم؛ یک روز می‌رفتیم، سه روز نمی‌رفتیم، چهار روز نمی‌رفتیم. کار آن‌چنانی نبود، اما دل‌گرم بودیم که «کار هست، شرکت هست، بالاخره اوکی می‌شود و برمی‌گردیم سر کار». الان با این وضعیت، همه ناراحت‌اند و همه می‌ترسند، چون آینده معلوم نیست و نمی‌دانیم چه اتفاقی می‌افتد.»

این کارگر معتقد است کارگران قربانی فشار دوجانبه شده‌اند: «پتروشیمی رازی از آن شرکت‌هایی است که همواره اعتراض کارگری در آن هست. پیمانکارهای ضعیفی داریم؛ حتی اگر پیمانکار فعلی، خود پتروشیمی رازی باشد، باز هم دست و پایی ندارد و هیچ کاری از دستش برنمی‌آید. ما از حداقل چیزهایی که در منطقه تصویب می‌کنند، محرومیم.»

او می‌افزاید: «در منطقه خیلی چیزها را تصویب می‌کنند و به پرسنل می‌دهند. مثلاً از پارسال یک مبلغی حدود یک میلیون و هفتصد هزار تومان را به‌عنوان مزایا تعیین کردند، اما هنوز که هنوز است رازی این پول را به ما نداده. مزایایی هست به اسم پتروکارت که شارژ و به‌روز می‌شود یا مزایای معیشتی که باید به‌روز شود. پارسال بعد از تقریباً ده ماه، این مزایا را برای نیروهای قرارداد مستقیم به‌روزرسانی کردند و بکپی و مابه‌التفاوت آن ده ماه را هم به آن‌ها دادند اما به ما که پرسنل ارکان ثالث هستیم، اصلاً مابه‌التفاوت ندادند. برای ما فقط همان مبلغ را از همان زمان به بعد به‌روز کردند. تازه یک ماه بعد، آپدیت جدید در منطقه آمد و عملاً ما دوباره برگشتیم به شرایط قبلی و چیزی دست‌مان را نگرفت. الان هم یک سال دیگر گذشته و با وضعیت فعلی، معلوم نیست اصلاً پرداخت بشود یا نه.»

این کارگر با اشاره به یک نمونه از این بی‌عدالتی ادامه می‌دهد: «بعد از جنگ ۱۲ روزه، تمام شرکت‌های منطقه به کسانی که در ایام جنگ فداکاری کردند و در مجتمع حضور داشتند، پاداش جنگ دادند؛ مبالغی هم دادند که از کم تا زیاد متفاوت بود. ولی پتروشیمی رازی این کار را نکرد. بعد که پرسنل اعتراض کردند، کار به دادگاه کشید. جلسه‌ای برگزار کردند و آن‌جا گفتند ده پتروشیمی دیگر منطقه خطا کردند و خلاف کردند که پاداش جنگ داده‌اند، اما شما رازی درست عمل کردید که ندادید! این حرف اصلاً با عقل جور در نمی‌آید، ولی واقعیت این است که این فضا همیشه علیه کارگرها بوده. به محض این‌که مطالبه‌ای مطرح می‌شود، همه رو به‌رویش می‌ایستند.»

در نهایت، او حس و حال این روزهای کارگران را این‌طور جمع‌بندی می‌کند: «پرسنل حس می‌کنند از هر دو طرف خورده‌اند. هم حمله و جنگ به زندگی و معیشت‌شان ضربه زده، هم از داخل حمایت چندانی نمی‌شوند و کارفرما می‌خواهد با بیمه‌ی بیکاری عملاً کارگر را کنار بگذارد...»

او در پایان اضافه می‌کند: «الان که حمله شده و خیلی از پتروشیمی‌ها آسیب دیده‌اند، نه تنها اقدام حمایتی چندانی از طرف مسئولین، دولت و کارفرما برای کارگران انجام نشده، بلکه حرفش هم پیش آمده که خیلی‌ها را بفرستند سمت بیمه‌ی بیکاری. یعنی به‌جای حمایت، صحبت از کنار گذاشتن کارگر است.»

بخشی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 24 فروردین

### **\*خسارات زیست محیطی جنگ؛ انتشار 1 میلیون و 53 هزار تن دی‌اکسیدکربن**

سازمان حفاظت محیط‌زیست، خسارات زیست محیطی جنگ و ابعادش را در حوزه‌های تخریب صنایع، ابنیه، مناطق تحت مدیریت محیط‌زیست و انفجار مخازن نفت تهران و البرز که تا مرزهای تهدید امکان حیات در کشور پیش رفت را اعلام کرد.

براساس این گزارش؛ مناطق تحت مدیریت سازمان در هفت استان شامل هرمزگان، مرکزی، سیستان و بلوچستان، فارس، کردستان، البرز و تهران مورد حمله‌های هوایی آمریکا – اسرائیل قرار گرفت که 13 منطقه حفاظت شده در این هفت استان دچار آسیب از کم تا خیلی زیاد شده‌اند.

کل حجم مواد نفتی دچار حریق در سه مجموعه از مخازن نفت تهران در شهران، شهرری و کوهک مجموعاً بیش از 360 هزار متر مکعب بوده است که در مجموع حجم معادل دی‌اکسید کربن منتشر شده ناشی از این حریق نزدیک به 1 میلیون تن برآورد می‌شود، بررسی‌های کارشناسان نشان می‌دهد که در این حمله‌ها نزدیک به 4 هزار تن ترکیبات آروماتیک یا ترکیبات آلی فرار که باعث تهدید جدی سلامت محیط زیست می‌شود، انتشار یافته است، علاوه بر این حمله‌ها به مخازن سوخت فردیس البرز نیز بالغ بر 53 هزار تن دی‌اکسید کربن وارد جو کرده و منجر به انتشار حدود 220 تن ترکیبات آروماتیک شده است.

### **\*صدور حکم برای اعدام 4 بازداشتی اعتراضات سراسری دی ماه 1404**

شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران برای 4 بازداشتی اعتراضات سراسری دی ماه 1404 بنام‌های بیتا علی همتی، حمدرضا مجیدی‌اصل، بهروز زمانی‌نژاد و کوروش زمانی‌نژاد، به اتهام «اقدام عملیاتی برای دولت متخاصم» حکم اعدام صادر کرد.

آنها همچنین به 5 سال حبس تعزیری و مصادره کلیه اموال به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» محکوم شدند.

### **\*##از\_بازداشتی\_ها\_بگو**

حکم اعدام ساغر غلامی اهل گنبدکاووس، دختر ۱۹ ساله‌ای که سال گذشته بازداشت شده بود، تأیید شد

به گزارش کانال شورای بازنشستگان ایران، خبرها حاکی از تأیید نهایی حکم اعدام اوست. خانواده نگران و درمانده‌ی ساغر، از همه مردم می‌خواهند که صدای آن‌ها باشند و اجازه ندهند زندگی این جوان به پایان برسد. آن‌ها برای لغو این حکم ناعادلانه چشم‌انتظار یاری افکار عمومی هستند.

**\*تداوم بازداشت سیما انبایی فریمانی، بازیگر تئاتر و شاعر اهل فریمان، در مشهد**

سیما انبایی فریمانی، بازیگر تئاتر و شاعر، متولد ۱۳۷۱، در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۴۰۴ توسط نیروهای فراجا بازداشت شده و هم‌اکنون در زندان وکیل‌آباد مشهد نگهداری می‌شود.

به گزارش دادبان، بر اساس اطلاعات دریافتی، این شهروند به‌عنوان یکی از چهره‌های فعال مدنی شهر فریمان شناخته می‌شود.

اتهامات مطرح‌شده علیه وی شامل «ارتباط با رژیم صهیونیستی»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «توهین به رهبر پیشین و فعلی» عنوان شده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که سیما انبایی فریمانی در حال حاضر از حق ملاقات و تماس با خانواده محروم است و وضعیت پرونده او با محدودیت‌های شدید اطلاع‌رسانی همراه است.

تا زمان تنظیم این خبر، اطلاعات بیشتری درباره روند رسیدگی قضایی، دسترسی به وکیل و شرایط نگهداری این زندانی منتشر نشده است.

**\*نت بلاکس : چهل و پنجمین روز محرومیت 90 میلیون ایرانی از اینترنت جهانی**

روزدوشنبه 13 آوریل، نت بلاکس (NetBlocks) نهاد ناظر بر قطعی‌ها و اختلالات اینترنت در سراسر جهان اعلام کرد:

اکنون چهل و پنجمین روز قطعی اینترنت در ایران است و اتصال بین‌المللی بیش از 1056 ساعت قطع شده است. چهره‌های رژیم و اینفلوئنسرهای فهرست سفید، آزادانه در رسانه‌های اجتماعی پست می‌گذارند، در حالی که جمعیتی بالغ بر 90 میلیون نفر را که ادعا می‌کنند به آنها خدمت می‌کنند، ساکت می‌کنند.

**\*جان باختن یک کارگر در شهرک صنعتی عجب شیر بر اثر حادثه کاری**

شنبه شب (22 فروردین)، یک کارگر 35 ساله یک واحد تولیدی واقع در شهرک صنعتی عجب شیر، استان آذربایجان شرقی بر اثر حادثه کاری جان خود را از دست داد.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)